

800

د

۱
۱۳۴
کورد

بِسْمِ اللَّهِ

اسلام سیاسی معاصر

در کشاکش هویت و تجدد

سیرشناسه		سید، رضوان Sayyid Rizwan
عنوان		اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد / رضوان السید؛ ترجمه مجید مرادی.
مشخصات نشر		قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری		۲۲۴ ص.
شابک		۹۷۸-۶۲۲-۶۰۶۹-۰۱-۴
وضعیت فهرست نویسی		فیها
یادداشت		کتاب حاضر ترجمه بخشی از «سیاسیات الاسلام المعاصر: مراجعات و متابعات» تألیف رضوان السید است.
عنوان قراردادی		سیاسیات الاسلام المعاصر: مراجعات و متابعات. فارسی. برگزیده
موضوع		اسلام -- تجدید حیات فکری -- مقاله ها و خطابه ها Islamic renewal -- Addresses, essays, lectures
		اسلام و سیاست -- مقاله ها و خطابه ها Islam and politics -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده		مرادی، مجید رودپشتی، ۱۳۴۹ -، مترجم. دانشگاه مفید
رده بندی کنگره		BP ۲۲۹ / س ۹ س ۹۰۴۲۱۶ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی		۲۹۷ / ۴۸
شماره کتابشناسی ملی		۵۵۷۴۵۰۵

اسلام سیاسی معاصر

در کشاکش هویت و تجدد

رضوان السید

•

ترجمہ مجید مرادی رودپشتی





اسلام سیاسی و ناصح در شکاکش هویت و تجدد

رضوان السید

ترجمه مجید مرادی و دپشتی

ناشر : انتشارات دانشگاه مفید

چاپ : اشراق

صفحه آرا : روح الله محمدی

ویراستار : مهدی وجالی

شابک : ۹۷۸-۶۰۶۹-۰۱-۴-۲۲

چاپ اول : بهار ۱۳۹۸

شمارگان : ۳۰۰ جلد

قیمت : ۳۳۰۰۰ تومان

entesharat@mofidu.ac.ir

قم - انتهای بلوار شهید صدوقی - دانشگاه مفید

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۲۶ - ۰۲۵-۳۲۹۳۵۱۷۷ - ۰۲۵-۳۶۱۱ - ۳۷۱۸۵
صندوق پستی:

فهرست مطالب

۷	مقدمه نویسنده
۱۱	مقدمه مترجم
	مراحل گفتمان اسلامی در پاسخ به چالش‌های یک قرن (نیمه دوم نوزدهم
۱۵	تا پایان نیمه اول قرن بیستم)
۲۹	هویت باوری در جهان بینی اندیشه اسلامی معاصر
۴۱	مسئله تمدن و روابط بین تمدن‌ها از دیدگاه روشنفکران عرب در قرن بیستم
۷۱	فرهنگ اسلامی و فرهنگ صلح
۸۵	شورا میان نص و تجربه تاریخی
۱۰۵	زن در آثار فقه‌های سنتی و فقه‌های نوگرا
۱۳۹	آینده جنبش‌های اسلامی
۷۱	اسلام‌گرایان و جهانی‌شدن
۱۹۳	زیستگاه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش‌های اسلامی
۲۱۷	نمایه

مقدمه نویسنده

بخش عمده کتابی که در دست دارید ترجمه بخشی از کتاب سیاسیات الاسلام المعاصر (۲۰۱۱-۱۹۷۷) است. این مقالات به بازخوانی تحولاتی می‌پردازد که اندیشه اسلامی در دو گونه اساسی‌اش: اصلاحی و احیایی به خود دیده است. عادت من چنین است که مرحله نخست را که از ۱۸۵۰ تا ۱۹۴۰ ادامه داشته است، مرحله اصلاح‌گرایی می‌دانم و مرحله دوم را که از ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۰ ادامه داشته است مرحله احیاگرایی یا بنیادگرایی.

ایده‌ای که بر مرحله نخست حاکم بوده است ایده ترقی (پیشرفت) به سبک اروپایی‌اش بود. اما در مرحله دوم مسئله اساسی، مسئله هویت است. هنوز هم این مسئله اخیر در محور قرار دارد. طبیعی است که میان این دو مرحله، تداخل و درهم‌تنیدگی باشد و گاه هر دو ایده (ترقی و هویت) در اندیشه یک تن ظهور یافته باشد. اما مبنای من در این طبقه‌بندی وجهه غالب و چارچوب کلی بوده است.

از سید محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵) شاگرد عبده، فراوان مثال آورده‌ام که در دوره حیات استادش اصلاح‌گرا بود و به تدریج و در نتیجه شرایط و اوضاع سیاسی پیش از جنگ اول جهانی و سپس به سبب تمایلات سلفی که بر او چیره شد و بر افکار فقهی و سیاسی‌اش تأثیر نهاد به سمت هویت‌گرایی تغییر رویکرد داد.

دشواره و دغدغه مرحله نخست این بود که چگونه از رکود و تقلید

خارج شویم و از نوزایی غربی یاد بگیریم و با اسلحه خود غرب با او رقابت و در برابرش مقاومت کنیم تا از وابستگی و استعمار درآییم. در مرحله دوم، ایده سنت‌گرایی یا فرهنگ ملی و اسلامی و چگونگی خروج از سلطه استعمار و تهاجم فرهنگی به مسأله محوری تبدیل شد.

در مقاله نخست کتاب که دکتر مجید مرادی ترجمه کرده است دوره‌بندی‌ای از مراحل گفتمان اسلامی و تحولات آن از اصلاح‌گرایی تا سنت‌گرایی و احیاگرایی تا بنیادگرایی گسست‌باور و فروپسته در برابر غرب ارائه شده است.

این تحول و دگرگونی در مقاله پنجم درباره شورا و چگونگی فهم و سیاسی‌سازی دوباره آن از سوی اصلاح‌گرایان روشن شده است. زیرا احیاگرایان نیز مانند اصلاح‌گرایان، سنت موروثی را مردود می‌شمارند اما آنان در عین پایبندی به فرهنگ جدیدشان به سنت‌گرایی پناه بردند و بدان جا رسیدند که مسأله‌ای را از سنت بازتأویل کنند تا از آن در فرایند پی‌ریزی نظام اسلامی کامل و دولت اسلامی و سپس خلافت بهره گیرند. در مقاله ششم به مسائل زنان پرداخته و کوشیده‌ام تا توضیح دهم چرا فقه اصلاحی معتقد است، سنت موروثی به زن ستم کرده است و نه شریعت اسلامی، در حالی که اصلاح‌گرایان گمان می‌برند که زن زیر سلطه غرب از شریعت فزاتر رفته است و باید شریعت را دوباره باور و تحمیل کرد!

در مقاله سوم و چهارم به مفهوم تمدن و مفهوم صلح پرداخته‌ام، همراه با خوانشی دقیق از تحولات این دو مفهوم که اهمیتی فزاینده دارند، و اینکه چگونه درک‌های متفاوتی از این دو مفهوم به تبع تحول روابط مسلمانان با غرب و جهان در نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفت.

اماد در مقاله دوم به مطالعه جنبش‌های اسلامی و چگونگی تحول فرهنگ هویت و احیا به فرهنگ حزبی که هدفش اسقاط دولت غرب‌گراست، پرداخته‌ام.

در مقاله هفتم که دکتر مرادی برای ترجمه انتخاب کرده است به کاوش در ایده جهان‌نگری که فیلسوف آلمانی ویلهلم دیلتای بدان باور دارد، پرداخته و از خلال مرور آثار چهار متفکر مسلمان نشان داده‌ام که

در سایه این جهان‌نگری، اندیشه اسلامی چه تحولاتی را در طی یک قرن پیموده است.

در مقاله هفتم نشان داده‌ام که اسلام‌گرایان چگونه از دریچه هویت و نه مشارکت به جهان می‌نگرند و در پی ستیز با تمدن غرب هستند و در فضای واسازی و گسستی که اینان در مقابل غرب شکل دادند، اندیشه پیوست و همکاری مالک بن نبی به حاشیه رفت.

به این ترتیب از خیرالدین تونسلی صاحب اقوم المسالک (۱۸۶۰) تا جلال آل احمد صاحب غرب‌زدگی، گره غرب همچنان دغدغه اساسی سرآمدان اندیشه اسلامی باقی می‌ماند، همراه با تشابهاتی در دیدگاه‌ها و فهم‌ها، اختلاف در نسخه‌های علاج و راه‌های برون شد.

در پایان این مقدمه می‌خواهم از دکتر مجید مرادی برای ترجمه این مقاله‌ها تشکر کنم و پیش از این نیز در بیست سال گذشته برخی از کارهای دیگرم را ترجمه کرده است. بر این دوستی و اهتمام، سپاسگزار او هستم و چنان که مَثَلِ عربی یا سخن رایج می‌گوید: رَبِّ اخْلُکْ لَمْ تَلْدَه امک؛ ای بسا برادری که مادرت نژاد است.

رضوان السید

بیروت ۲۰۱۸/۲/۱

مقدمه مترجم

جهان اسلام در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شاهد ظهور شمار فراوانی از رویکردها و دریافت‌های فکری و جریان‌ها و گروه‌بندی‌های سیاسی بوده است که در پاسخ به اوضاع آن دوره شکل گرفته‌اند. استعمار خارجی، استبداد حاکمان داخلی، عقب‌ماندگی کشورهای مسلمان از کاروان ترقی و پیشرفت، دوری از آموزه‌های اسلام و نزاع‌های داخلی مهم‌ترین معضلات جهان اسلام در دوره یاد شده است.

جهان اسلام در این دوره عرصه جذب و جوش نخبان و پیشگامانی بوده است که گروهی مروج و دلباخته لیبرالیسم بودند و گروهی رو به سوسیالیسم آوردند و جمعی به ناسیونالیسم با شقوق متفاوت آن روی آوردند هر دسته و گروه نسخه حل مشکل جهان اسلام را از همان منظر می‌پسید. اما رفته رفته با اثبات ناکارآمدی رویکردهای یاد شده و به ویژه اثبات سستی ایده ناسیونالیسم عربی که با شکست عرب‌ها به رهبری عبدالناصر در برابر اسرائیل به اثبات رسیده بود - جریان‌های مذهبی دین و دارای علایق دینی که نسبت برخی از آنها با شدت و ضعف‌هایی به سید جمال‌الدین اسدآبادی و نسبت برخی دیگر به پیشتر از او یعنی به ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب می‌رسید، رو به گسترش و تکاپوی بیشتر نهادند. اسلام‌گرایان سیاسی که دکتر رضوان السید آنها را احیاگرایان اسلامی می‌خواند و در مقابل اصلاح‌گرایان اسلامی می‌نشانند، این فرصت

را یافتند که با استفاده از شکست الگوهای رقیب و توجه به جایگاه متعالی دین و نمادهای دینی در میان جوامع اسلامی، از دین به عنوان ایدئولوژی سیاسی و منبع عظیم انرژی سیاسی - اجتماعی بهره گیرند. نقطه شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی معاصر که دارای پیشینه‌ای طولانی و پرورده‌ای قطور در قرون گذشته است. همین جا است از یک سو حجم عظیمی از آموزه‌های اسلامی در قرآن و سنت وجود دارد که بر جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر و نفی سبیل و برتری اسلام و مسلمانان تأکید می‌کند و از دیگر سو، موج خزنده تمدن غربی به چشم می‌آمد که در بسیاری از مسایل در تضاد آشکار با آموزه‌های اخلاقی و عبادی بود و از سوی دیگر حکمان کشورهای اسلامی یا اساساً به پیشرفت و ترقی اوضاع اجتماعی اهتمام نداشتند یا اگر هم اهتمامی داشتند، خاستگاه و رویدادشان متناسب با آموزه‌های دینی نبود و ترقی را به قیمت کنار زدن برخی نمادهای هویت دینی می‌خواستند.

در چنین اوضاعی ترمیمی چندین احساس می‌کنند که مأموریت دارند تا دین خدا را شکل‌دهنده عمده‌ترین عنصر هویت آنان است و از نظر آنان دستخوش پیرایه‌ها و یا بی‌اعتنایی‌ها شده، نجات دهند و صفا و زلالی اولیه را بدان بازگردانند و با نجات دین در حقیقت هویت خود را احیاء کنند. افزون بر تضاد فرهنگی اسلام و غرب، سیاست‌های غرب در مناطق اسلامی به گونه‌ای بود که جز بر بدگمانی جهان اسلام نسبت به آن نمی‌افزود. در این سیاق از فروپاشی خلافت عثمانی و سرنگون شدن دولتی لائیک در ترکیه گرفته تا شکل‌گیری دولت اسرائیل و حذف کشور اسلامی فلسطین از فهرست کشورهای جهان حوادث دیگری هم رخ داد که نگاه غالب جهان اسلام را به غرب، تلخ و غضب‌آلود می‌کرد. دیگر غرب، آن جهان پیشرفته و انسانی و ترقی بخش نبود که پیش‌تر می‌نمود حتی برخی چهره‌های برجسته جهان اسلام، مسلمانان واقعی را در غرب می‌جستند؛ این بار چهره غرب، تداعی‌گر غرب دوره جنگ‌های صلیبی بود. نزدیکی برخی کشورهای بزرگ اسلامی به بلوک شرق کمونیست هم نتوانسته بود

دست غرب لیبرالیست صلیبی مآب را که از دریچه صهیونیسم جهان اسلام را تهدید می‌کرد کوتاه کند.

خلاصه سخن آن‌که، مجموعه‌ای از عوامل معرفتی و اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی در شکل‌گیری و اوج‌گیری جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرای معاصر دخالت داشته‌اند و در بررسی سیر تحولات اسلام سیاسی معاصر توجه به همه این عوامل و زمینه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در کتابی که فراروی دارید، نویسنده برخی ابعاد و جوانب اسلام سیاسی معاصر و تقابل فکری اسلام‌گرایی احیایی با اسلام‌گرایی اصلاحی را مورد کاوش قرار داده است. بی‌تردید حوزه فکری ایران و جهان عرب دارای افق‌ها و روندهای مشترک فراوان و تأثیرات متقابل قابل توجهی بوده و هستند و در همه رویکردهای فکری‌ای که در این دو حوزه ظهور یافته‌اند، گفتمان‌های مشابه و متأثر از یکدیگر مشاهده می‌شود. خواننده این کتاب درخواهد یافت که ادبیات جریان‌های مورد مطالعه در این مقالات با ادبیات جریان‌های مشابه در ایران تا چه اندازه به یکدیگر نزدیک است و در حقیقت حکایت آنان نیز، حکایت ما است و حکایت ما و آنان هم چنان باقی است.

از نویسنده ارجمند جناب آقای دکتر رضوان السید که مجموعه‌ای از مقالات منتشر شده و منتشر نشده‌اش را در اختیارم قرار داد و زحمت نوشتن مقدمه را بر خود هموار کرد، سپاسگزارم.